

بررسی کمی نحوه تخصیص تسهیلات بانکی در توسعه اقتصادی استانهای کشور

جناب آقای غلامرضا شاه‌رخی

کارشناس اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

این مقاله کوششی در جهت شناخت هرچه بهتر نحوه تخصیص تسهیلات اعطایی بانکی در استانهای کشور طی سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ می‌باشد.

اهمیت سرمایه بعد از نیروی انسانی بعنوان مهمترین عامل تولید بر کسی پوشیده نیست و کمبود و فقدان آن باعث می‌گردد که سایر عوامل تولید نیز بلااستفاده ماند و فقر و محرومیت در جامعه گسترش یابد. بهمین دلیل در هر سیستم اقتصادی نقش نظام بانکی در جمع‌آوری سپرده‌ها (تجهیز منابع) و بکارگیری آنها در تأمین مالی طرحهای سرمایه‌گذاری (تخصیص منابع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مسئله با تصویب قوانین خاص دولتها را ملزم نموده که با اتخاذ سیاستها و تدابیری پول و سرمایه را در جهت نیل به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی خود سوق دهند.

در نظام بانکداری گردش پول (بعنوان سرمایه بالقوه) و سرمایه طبعاً باید بر اساس ارزشهای حاکم بر جامعه نشئت گرفته از اقتصاد اسلامی باشد. در این نظام بازار پولی و نرخ بهره (بعنوان فرصت پول) جایگاهی نداشته و نظام بانکی بعنوان جزئی لاینفک از سیستم اقتصادی کشور، علاوه بر تأمین سرمایه مشوق و راهنمایی غمخوار برای سرمایه‌گذاران واجد شرایط بوده و برپایه مشارکت در سود و زیان (Profit and Loss sharing) تا پایان راه و در هر شرائط (حتی در شرایط رکود) یار و همراه آنان باشد.^۱

۱- اساس این مقاله مربوط به تزکارشناسی ارشد نویسنده آن است که تحت عنوان «بررسی کمی نحوه توزیع تسهیلات اعطایی بانکی در استانهای کشور طی سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳» به راهنمایی جناب آقای

مهمترین هدف دولت اسلامی تامین عدالت اجتماعی است، به طوری که از نظر اسلام جامعه فقیری که فقر در آن عادلانه توزیع شده، نسبت به جامعه‌ای که در آن پیشرفت اقتصادی به معنی افزایش کمی دارائیه‌ها و تامین رفاه اقتصادی برای طبقاتی خاص فراهم است، تقدم دارد. به این ترتیب از نظر اسلام عدالت اجتماعی مقدم بر رشد و توسعه اقتصادی است. به همین دلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد عدیده دولت را موظف به اجرای عدالت اجتماعی و ایجاد توازن و تعادل بین سطح زندگی عموم مردم و زدودن فقر و محرومیت از دامان جامعه نموده است. بعنوان مثال در اصل سوم آن آمده است: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است..... همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد:

- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
در اصل چهل و سوم که اختصاص به مسائل اقتصادی و امور مالی دارد آمده است: برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و... اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس زیر استوار می‌شود:

- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

- تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر....

همچنین در اصل چهل و هشت می‌خوانیم: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل فوق تکیه اصلی خود را بر عدم تبعیض در توزیع و بهره‌برداری از امکانات طبیعی و درآمدهای ملی قرار داده است، بدین ترتیب که دولت اسلامی باید سعی و اهتمام کافی در جهت جلوگیری از محروم ماندن و محروم شدن احتمالی برخی از مناطق و استانهای کشور از طریق بکارگیری کلیه امکانات موجود در کشور و منجمله امکانات سرمایه‌ای به عمل آورد.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز که به جرات می‌توان آن را مهمترین قانونی که پس از انقلاب اسلامی ایران به تصویب رسیده است دانست و ارتباطی ارگانیک با قانون اساسی داشته و در حقیقت وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف اقتصادی قانون اساسی می‌تواند تلقی شود، اجرای عدالت در تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار تصریح گردیده است. در قانون فوق اهداف نظام بانکی بقرار زیرند:

- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (باضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور.

- فعالیت در جهت تحقیق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران با ابزارهای پولی و اعتباری.

- ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تامین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری....

بطور کلی از مطالب مندرج در قانون اساسی و قانون عملیات بانکی بدون ربا چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تمرکز ثروت در یک (یا چند) منطقه و استان کشور از نظر اسلام مردود بوده و لزوماً باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی (از دید دولت) تمام استانهای کشور مقام و مرتبتی همسان داشته و هیچیک را بر دیگری تفوقی نباشد. بدین ترتیب زدودن فقر و محرومیت از چهره استانهای محروم، رشد و توسعه متعادل و متوازن بین استانها، اولویتی خاص برای دولت خواهد داشت و اجرای آن طبعاً عدالت اجتماعی را تحقق و تعمیق خواهد بخشید. بر این اساس اظهارنظرهایی نظیر «عدم توانایی جذب تسهیلات بانکی توسط استانهای محروم» و نتیجتاً بکارگیری سرمایه‌ها «در مناطق و استانهای برخوردار» جای بسی تامل و تعمق دارد و قبول نظر فوق به منزله قرار گرفته قطعی استانهای محروم در یک دور باطل و تداوم محرومیت در اینگونه استانها خواهد بود. در حالی که اگر در جستجو و مطالعه دقیق علل محرومیت در استانهای محروم برآنیم چه بسا درخواهیم یافت که امکانات و زمینه‌های بسیار مناسبی برای سرمایه‌گذاری با بازده صعودی (Increasing Returns to scale) وجود دارد که یا شناسایی نشده‌اند و یا آنکه بنحو مطلوب و شایسته مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. در هر حال در بدو امر این وظیفه دولت است که با شناخت دقیق استعدادها و منابع بالقوه موجود در هر استان و با صرف هزینه‌های زیربنایی، زمینه لازم را جهت تأمین و جذب تسهیلات بانکی فراهم آورد.

در ارتباط با دیدگاههای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) نیز صرفاً به این نکته بسنده می‌گردد که با تحلیلی وسیع در مورد اهداف کلی دهگانه برنامه مزبور می‌توان گفت که بر جز یک هدف (که مربوط به مسائل نظامی است) سایر اهداف برنامه به طریقی به مسئله فقر و محرومیت و کاهش و رفع آن مربوط می‌گردد.

با توجه به موارد یاد شده، نظام بانکی بعنوان یک نهاد دولتی در جمهوری اسلامی ایران ضرورتاً باید در راستای مسئولیت‌ها و وظایف دولت (در چارچوب قانون اساسی) حرکت نماید و بالطبع رعایت عدالت در تخصیص تسهیلات در بانکداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده و می‌توان گفت تخصیص تسهیلات بانکی (و همچنین کمک‌های مالی دولت از طریق بودجه و موارد دیگر) باید متناسب با ضریب محرومیت و درجه عقب‌ماندگی استانها باشد. در این خصوص ضروری است دولت با تمهیداتی از طریق بودجه موجبات جذب تسهیلات را در استانهای محروم فراهم آورد و با این ترتیب می‌توان امیدوار بود که با کاهش عدم تعادل بین استانهای کشور، تولید و سطح اشتغال در استانهای محروم افزایش یافته و فقر و محرومیت از چهره آنها زدوده شود و با ایجاد رشدی متوازن در تمام استانهای کشور از مشکلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه از مناطق محروم به مناطق برخوردار جلوگیری شود.

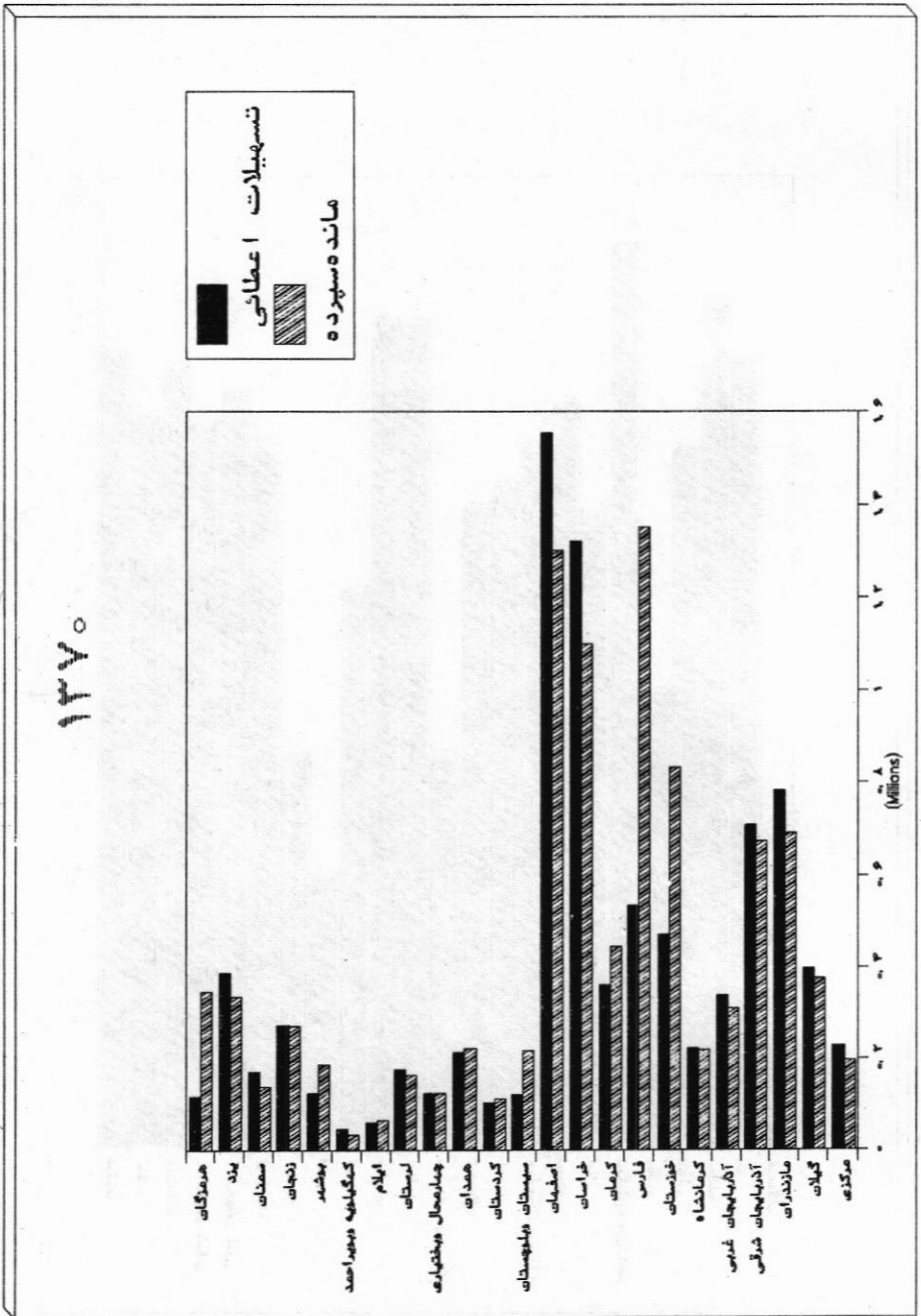
بر اساس موازین اسلامی و اصل عدالت و تکامل اجتماعی افراد مرفه از طرق مختلف مؤلف به کمک به محرومین می‌باشند و این مسئله را صرفاً نباید به کمک به خویشاوندان و دیگر محرومیتی که در محیط اطراف ما هستند محدود نمود بلکه این وظیفه را می‌توان به کل محرومین کشور تعمیم داد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که جریان سرمایه از استانهای برخوردار به سوی استانهای محروم و در جهت کاهش درجه عقب‌ماندگی آن استانها از طریق دولت بلاشکال باشد. حال باید بررسی گردد که آیا چنین موردی در تخصیص تسهیلات بانکی لحاظ گردیده است؟ آیا استانهای محروم متناسب با میزان سپرده‌گذاری خود از تسهیلات اعطائی برخوردار بوده‌اند؟ آیا تسهیلات اعطائی بانکی می‌تواند در کاهش محرومیت‌ها و عدم تعادلها مؤثر افتد؟ این مقاله در جهت یافتن به پاسخ به هم‌چنین سؤالاتی می‌باشد.

بررسی نحوه تخصیص تسهیلات اعطائی بانکی در استانهای کشور (بجز تهران) طی سالهای ۷۰-۱۳۶۳ از دو طریق ممکن صورت گرفته است که ذیلاً به شرح آنها می‌پردازیم:

۱- در بررسی اول نسبت تسهیلات اعطائی (F) به مانده سپرده‌ها (D) برای هر یک از استانهای کشور طی سالهای ۷۰-۱۳۶۳ محاسبه گردیده است. نسبت مزبور که آنرا ۲ می‌نامیم در هر سال با میانگین این نسبت‌ها یعنی ۲ در همان سال مورد مقایسه قرار گرفته است. نتیجه آنکه در یک سال معین در مورد برخی از استانها ۲ > ۲ گردیده که مفهوم آن این است که استانهای مزبور در تناسب با میزان سپرده‌گذاری از تسهیلات اعطائی بالنسبه کمتری (در تناسب با میزان سپرده‌گذاری) برخوردار شده‌اند. برای نمونه ذیلاً نمودار شماره ۱ تسهیلات اعطائی و مانده سپرده‌ها، نمودار شماره ۲ نسبت تسهیلات اعطائی به مانده سپرده‌ها و بالاخره جدول شماره ۱ نسبت‌های محاسبه شده برای استانهای کشور در سال ۱۳۷۰ را نشان می‌دهد. به دنبال آن به بررسی و تجزیه و تحلیل نسبت‌ها می‌پردازیم.

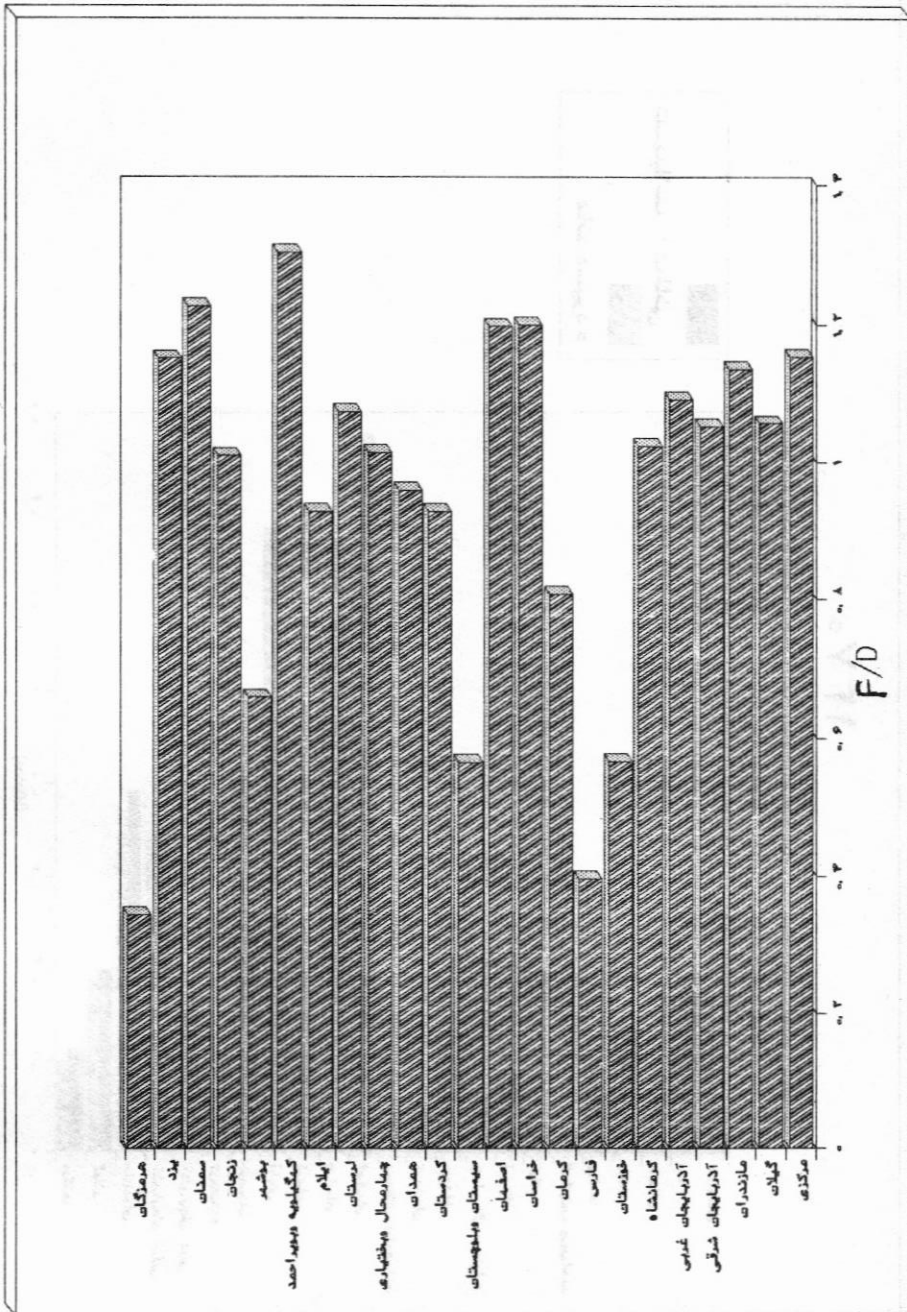
نمودار شماره ۱

تسهیلات اعطائی و مانده سپرده‌ها در استانهای کشور طی سال ۱۳۷۰



نمودار شماره ۲

نسبت تسهیلات اعطائی به مانده سپرده‌ها در استانهای کشور طی سال ۱۳۷۰



جدول شماره ۱

نتایج حاصله از نسبت تسهیلات اعطائی به مانده سپرده ($\frac{F}{D} = r$) در سال ۱۳۷۰

استانهای که در آنها $r < 2$ است		میانگین نسبت‌ها $r' = 0.950$	استانهای که در آنها $r > 2$ است	
$\frac{F}{D} = r$	نام استان		$\frac{F}{D} = r$	نام استان
۰/۹۲۹	۱- کردستان	۱/۳۰۴	۱- کهگیلویه و بویراحمد	
۰/۹۲۸	۲- ایلام	۱/۲۲۷	۲- سمنان	
۰/۸۰۸	۳- کرمان	۱/۲۰۰	۳- خراسان	
۰/۶۵۹	۴- بوشهر	۱/۱۹۷	۴- اصفهان	
۰/۵۶۷	۵- خوزستان	۱/۱۵۴	۵- مرکزی	
۰/۵۶۳	۶- سیستان و بلوچستان	۱/۱۵۰	۶- یزد	
۰/۳۹۶	۷- فارس	۱/۱۳۶	۷- مازندران	
۰/۳۴۴	۸- هرمزگان	۱/۰۹۰	۸- آذربایجان غربی	
		۱/۰۷۳	۹- لرستان	
		۱/۰۵۷	۱۰- گیلان	
		۱/۰۵۳	۱۱- آذربایجان شرقی	
		۱/۰۲۴	۱۲- باختران	
		۱/۰۱۳	۱۳- چهارمحال بختیاری	
		۱/۰۱۰	۱۴- زنجان	
		۰/۹۵۹	۱۵- همدان	

در جدول فوق مشاهده می‌گردد که در تناسب با میزان سپرده‌گذاری (مقایسه ۲ در هر استان با r') استانهای کهگیلویه و بویراحمد، سمنان و خراسان از نظر برخورداری از تسهیلات اعطائی بهترین شرایط و استانهای هرمزگان، فارس و سیستان و بلوچستان بدترین شرایط را دارا می‌باشند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۶۰ دولت برای اولین بار ۸ استان کشور را به عنوان محرومترین استانها معرفی نمود. این استانها (که بر اساس ضریب محرومیت محاسبه شده همچنان در ردیف محرومترین استانها قرار دارند) عبارت بودند از: کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کردستان، ایلام، بوشهر، سیستان و بلوچستان و هرمزگان. بر اساس بررسی مزبور در مورد سال ۱۳۷۰ درمی‌یابیم که استانهای محروم اکثراً در زمره استانهای قرار گرفته‌اند که در تناسب با

میزان سپرده گذاری از تسهیلات اعطائی کمتری ($r' < r$) استفاده نموده‌اند. جدول شماره ۲ توزیع استانهای کشور به ترتیب استانهای تسهیلات اعطائی به مانده سپرده‌ها ($r = \frac{F}{D}$) در هر یک از سالهای مورد بررسی (۷۰ - ۱۳۶۳) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲

توزیع استانهای کشور به ترتیب نسبت‌های F/D و مقایسه با «میانگین نسبتها» در سالهای مورد بررسی

سال ۱۳۶۶		سال ۱۳۶۵		سال ۱۳۶۴		سال ۱۳۶۳	
F/D=r	نام استان	F/D=r	نام استان	F/D=r	نام استان	F/D=r	نام استان
۰/۳۹۲	فارس	۰/۴۰۸	فارس	۰/۳۷۸	هرمزگان	۰/۳۰۶	فارس
۰/۳۹۸	هرمزگان	۰/۴۰۹	سیستان و بلوچستان	۰/۴۱۴	خوزستان	۰/۳۱۲	خوزستان
۰/۴۴۳	خوزستان	۰/۴۱۷	خوزستان	۰/۴۱۶	فارس	۰/۳۴۹	اصفهان
۰/۵۲۹	سیستان و بلوچستان	۰/۴۶۶	هرمزگان	۰/۴۵۵	باختران	۰/۳۶۱	سیستان و بلوچستان
۰/۵۷۴	بوشهر	۰/۵۷۵	چهارمحال و بختیاری	۰/۴۸۶	ایلام	۰/۳۷۶	هرمزگان
۰/۶۶۸	چهارمحال و بختیاری	۰/۶۵۳	اصفهان	۰/۵۱۱	سیستان و بلوچستان	۰/۳۹۲	ایلام
۰/۷۴۵	اصفهان	۰/۶۹۶	باختران	۰/۵۷۷	اصفهان	۰/۴۲۰	چهارمحال و بختیاری
۰/۷۹۳	باختران	۰/۷۰۴	بوشهر	۰/۶۰۹	چهارمحال و بختیاری	۰/۴۸۱	کرمانشاه
۰/۸۶۳	زنجان	۰/۷۶۲	ایلام	۰/۷۱۱	مرکزی	۰/۵۰۷	زنجان
۰/۸۶۵	آذربایجان شرقی	۰/۷۷۲	یزد	۰/۷۴۰	یزد	۰/۵۳۸	آذربایجان شرقی
۰/۸۷۱	یزد	۰/۷۹۳	کردستان	۰/۷۴۵	کرمان	۰/۵۴۴	مرکزی
۰/۹۰۵	ایلام	۰/۸۶۳	سمنان	۰/۷۶۰	زنجان	۰/۵۷۱	بوشهر
۰/۹۱۳	کردستان	۰/۸۶۵	زنجان	۰/۷۶۳	خراسان	۰/۵۷۱	سمنان
۰/۹۱۴	مرکزی	۰/۸۸۳	آذربایجان شرقی	۰/۸۰۴	آذربایجان غربی	۰/۵۷۶	یزد
۰/۹۳۱	کرمان	۰/۸۸۹	آذربایجان غربی	۰/۸۱۴	سمنان	۰/۵۹۹	کرمان
۰/۹۴۱	آذربایجان غربی	۰/۸۹۶	مرکزی	۰/۸۲۸	آذربایجان شرقی	۰/۶۱۸	آذربایجان غربی
۱/۰۰۹	سمنان	۰/۹۴۱	همدان	۰/۹۳۲	همدان	۰/۶۵۴	همدان
۱/۰۱۶	همدان	۰/۹۷۸	خراسان	۰/۹۸۰	کردستان	۰/۷۳۲	خراسان
۱/۰۴۶	خراسان	۰/۹۹۰	کرمان	۱/۰۲۳	گیلان	۰/۷۵۴	لرستان
۱/۱۰۷	گیلان	۱/۰۶۴	گیلان	۱/۰۴۸	مازندران	۰/۸۶۲	کردستان
۱/۲۰۵	لرستان	۱/۱۲۴	لرستان	۱/۰۶۵	بوشهر	۰/۸۷۲	گیلان
۱/۲۳۲	مازندران	۱/۲۶۹	مازندران	۱/۰۸۴	لرستان	۰/۸۸۵	کهگیلویه و بویراحمد
۱/۴۴۲	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۶۳۰	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۱۴۳	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۸۸۶	مازندران
۰/۸۶۰		۰/۸۲۸		۰/۷۵۲		۰/۵۷۲	میانگین نسبتها = r'
۰/۰۷۳۶		۰/۰۸۳۹		۰/۰۵۷۱		۰/۰۳۵۴	واریانس نسبتها
۰/۲۷۱		۰/۲۹۰		۰/۲۳۹		۰/۱۸۸	انحراف معیار
۳۱/۵		۳۵/۰		۳۱/۸		۳۲/۹	ضریب تغییر پذیری (درصد)

جدول شماره ۲

توزیع استانهای کشور به ترتیب نسبت‌های F/D و مقایسه با «میانگین نسبتها»
در سالهای مورد بررسی

سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۶۸		سال ۱۳۶۷	
F/D=۲	نام استان	F/D=۲	نام استان	F/D=۲	نام استان	F/D=۲	نام استان
۰/۳۴۴	هرمزگان	۰/۳۲۸	هرمزگان	۰/۲۷۷	هرمزگان	۰/۲۸۳	فارس
۰/۳۹۶	فارس	۰/۴۲۰	فارس	۰/۳۷۸	فارس	۰/۲۷۶	هرمزگان
۰/۵۶۳	سیستان و بلوچستان	۰/۵۰۵	سیستان و بلوچستان	۰/۴۸۵	سیستان و بلوچستان	۰/۳۶۹	سیستان و بلوچستان
۰/۵۶۷	خوزستان	۰/۵۳۷	خوزستان	۰/۴۸۷	بوشهر	۰/۴۰۲	بوشهر
۰/۶۵۹	بوشهر	۰/۶۱۸	بوشهر	۰/۵۴۶	خوزستان	۰/۵۱۹	خوزستان
۰/۸۰۸	کرمان	۰/۹۰۲	همدان	۰/۶۳۸	چهارمحال و بختیاری	۰/۵۵۱	چهارمحال و بختیاری
۰/۹۲۸	ایلام	۰/۹۱۰	کرمان	۰/۷۶۰	اصفهان	۰/۶۲۸	اصفهان
۰/۹۲۹	کردستان	۰/۹۱۱	چهارمحال و بختیاری	۰/۷۸۳	کرمان	۰/۶۳۵	باختران
۰/۹۵۹	همدان	۰/۹۳۳	آذربایجان شرقی	۰/۸۳۴	باختران	۰/۶۸۸	یزد
۱/۰۱۳	زنجان	۰/۹۳۶	باختران	۰/۸۴۸	آذربایجان شرقی	۰/۷۴۶	کرمان
۱/۰۱۳	چهارمحال و بختیاری	۰/۹۳۶	گیلان	۰/۸۶۴	همدان	۰/۷۴۷	زنجان
۱/۰۲۴	باختران	۱/۰۳۲	زنجان	۰/۸۶۸	گیلان	۰/۷۵۴	آذربایجان شرقی
۱/۰۵۳	آذربایجان شرقی	۱/۰۹۰	کردستان	۰/۸۹۵	یزد	۰/۷۵۴	لرستان
۱/۰۵۷	گیلان	۱/۱۰۰	اصفهان	۰/۹۳۰	زنجان	۰/۷۷۲	کردستان
۱/۰۷۳	لرستان	۱/۱۰۹	لرستان	۰/۹۳۸	کردستان	۰/۷۷۶	ایلام
۱/۰۹۰	آذربایجان غربی	۱/۱۲۱	مرکزی	۰/۹۴۲	ایلام	۰/۸۰۸	آذربایجان غربی
۱/۱۳۶	مازندران	۱/۱۳۹	خراسان	۱/۰۰۰	خراسان	۰/۸۱۳	سمنان
۱/۱۵۰	یزد	۱/۲۱۲	یزد	۱/۰۲۹	لرستان	۰/۸۲۲	گیلان
۱/۱۵۴	مرکزی	۱/۲۲۴	ایلام	۱/۰۸۰	آذربایجان غربی	۰/۸۴۵	همدان
۱/۱۹۷	اصفهان	۱/۲۳۰	سمنان	۱/۰۸۸	مازندران	۰/۸۷۶	خراسان
۱/۲۰۰	خراسان	۱/۲۷۱	آذربایجان غربی	۱/۰۹۵	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۹۰۸	مرکزی
۱/۲۲۷	سمنان	۱/۲۷۱	مازندران	۱/۰۹۷	سمنان	۰/۹۷۳	مازندران
۱/۳۰۴	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۴۳۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۱۹۰	مرکزی	۱/۰۳۴	کهگیلویه و بویراحمد
۰/۹۵۰		۰/۹۶۲		۰/۸۲۸		۰/۶۹۵	میانگین نسبتها = ۲
۰/۰۷۲۲		۰/۰۸۷۸		۰/۰۶۲۸		۰/۰۴۳۵	واریانس نسبتها
۰/۲۶۹		۰/۲۹۶		۰/۲۵۱		۰/۲۰۹	انحراف معیار
۲۸/۳		۳۰/۸		۳۰/۳		۳۰/۱	ضریب تغییر پذیری (درصد)

ضریب تغییرپذیری نسبت‌های مزبور برای استانهای کشور در هر سال که معیاری جهت دستیابی به پراکندگی نسبی توزیع تسهیلات اعطائی بانکها می‌باشد نیز محاسبه شده است. هرچه ضریب تغییرپذیری نسبت‌ها که آن را شاخص نابرابری (Disparity Index) می‌نامیم در طول زمان بزرگتر شده باشد، نشان دهنده افزایش نابرابری و هرچه کوچکتر شده باشد، نمایانگر کاهش نابرابری

نمود ولی چنین امری تحقق نیافت و لزوماً تصمیم به محاسبه ضرائب محرومیت کلیه استانهای کشور طی ۸ سال گرفته شد. ضرائب مزبور بر اساس پنج پارامتر آموزش، بهداشت، مسکن و ساختمان، سپرده‌های بانکی وضعیت محاسبه گردیده است. در جدول شماره ۴ ضرائب محرومیت محاسبه شده برای هر یک از استانهای کشور طی سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ و در جدول شماره ۵ میانگین ضرائب محرومیت هر یک از استانها طی سالهای یاد شده از نظر می‌گذرد. لازم به اشاره است که در محاسبه ضرائب محرومیت استان تهران (یعنی برخوردارترین استان کشور) بعنوان استان پایه (مینا) در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۴

ضرائب محرومیت هر یک از استانهای کشور طی سالهای ۱۳۷۰ - ۱۳۶۳

ردیف	نام استان	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
۱	تهران	-	-	-	-	-	-	-	-
۲	یزد	۳۲۵	۳۳۹	۳۰۳	۲۸۳	۲۴۱	۳۱۶	۳۰۰	۲۲۲
۳	اصفهان	۳۳۰	۳۳۸	۳۴۲	۳۳۵	۳۳۰	۳۰۳	۳۱۸	۳۱۵
۴	مرکزی	۳۵۴	۳۱۸	۴۶۱	۴۳۹	۴۶۰	۴۳۱	۴۰۸	۴۳۴
۵	سمنان	۴۵۱	۴۲۵	۴۳۵	۴۵۱	۵۲۸	۴۸۴	۳۸۶	
۶	فارس	۵۰۵	۵۲۴	۵۱۷	۴۹۷	۴۸۳	۵۳۱	۵۰۶	۵۴۵
۷	گیلان	۵۶۷	۵۴۶	۵۲۴	۵۲۱	۵۲۰	۵۱۸	۵۳۳	
۸	خوزستان	۵۷۷	۵۶۹	۵۶۹	۵۴۰	۵۵۲	۵۷۰	۵۵۱	۵۶۱
۹	زنجان	۶۰۶	۵۹۹	۶۰۲	۶۱۱	۶۰۷	۶۲۳	۵۹۶	۵۹۲
۱۰	کرمان	۶۳۲	۶۲۶	۵۳۲	۵۲۶	۵۲۰	۵۴۶	۵۴۶	۶۷۹
۱۱	کرمانشاه	۶۳۳	۶۴۸	۶۸۹	۷۰۲	۶۶۳	۶۷۷	۶۷۷	۶۷۹
۱۲	مازندران	۶۳۳	۶۱۳	۵۹۳	۵۹۲	۵۶۶	۵۸۱	۵۶۲	۵۸۱
۱۳	آذربایجان شرقی	۶۶۸	۶۴۷	۶۴۷	۶۳۰	۶۳۸	۶۳۹	۶۴۸	۶۵۹
۱۴	خراسان	۶۸۱	۶۵۹	۶۷۴	۶۸۳	۶۵۶	۶۴۳	۶۴۹	۶۶۵
۱۵	بوشهر	۷۳۱	۷۲۷	۷۱۶	۶۸۹	۷۰۴	۷۲۵	۷۱۸	۷۰۱
۱۶	کهگیلویه و بویراحمد	۷۴۸	۷۳۶	۷۴۴	۷۲۲	۷۱۳	۷۴۶	۷۲۶	۷۴۷
۱۷	چهارمحال و بختیاری	۷۵۰	۷۴۰	۷۳۲	۷۲۰	۷۰۸	۶۹۱	۶۹۸	۶۹۸
۱۸	آذربایجان غربی	۷۵۹	۷۴۱	۷۱۵	۷۳۴	۷۳۸	۷۵۱	۷۲۵	۷۳۷
۱۹	همدان	۷۷۲	۷۶۴	۷۵۰	۷۳۷	۷۴۰	۷۴۲	۷۳۷	۷۴۴
۲۰	ایلام	۷۷۳	۷۸۵	۷۰۰	۷۱۷	۶۱۵	۶۱۴	۶۱۴	۶۸۱
۲۱	هرمزگان	۷۷۵	۷۴۵	۷۳۶	۷۳۶	۷۰۲	۶۹۳	۶۸۵	۶۷۵
۲۲	لرستان	۷۸۵	۷۶۰	۷۴۳	۷۵۲	۷۵۵	۷۶۲	۷۶۶	۷۷۲
۲۳	سیستان و بلوچستان	۸۰۵	۸۱۸	۷۹۵	۷۹۲	۷۶۲	۷۶۴	۷۸۴	۷۶۶
۲۴	کردستان	۸۲۴	۷۶۹	۷۸۷	۷۳۹	۷۶۴	۷۹۴	۷۸۲	۷۹۲

جدول شماره ۵

میانگین ضرایب محرومیت هر یک از استانهای کشور

طی سالهای ۱۳۷۰ - ۱۳۶۳

ردیف	نام استان	میانگین
۱	تهران	۰
۲	یزد	۲۹۱
۳	اصفهان	۳۲۶
۴	مرکزی	۴۱۳
۵	سمنان	۴۵۰
۶	فارس	۵۱۳
۷	گیلان	۵۳۱
۸	کرمان	۵۵۷
۹	خوزستان	۵۶۱
۱۰	مازندران	۵۹۰
۱۱	زنجان	۶۰۴
۱۲	آذربایجان شرقی	۶۴۷
۱۳	خراسان	۶۶۴
۱۴	کرمانشاه	۶۷۰
۱۵	ایلام	۶۸۷
۱۶	بوشهر	۷۱۴
۱۷	چهارمحال و بختیاری	۷۱۷
۱۸	هرمزگان	۷۱۸
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۷۳۵
۲۰	آذربایجان غربی	۷۳۸
۲۱	همدان	۷۴۸
۲۲	لرستان	۷۶۲
۲۳	کردستان	۷۸۱
۲۴	سیستان و بلوچستان	۷۸۶

شایان ذکر است که انجام رگرسیونها در این بخش بر اساس مدل زیر و برای ۲۳ استان کشور طی ۸ سال (۱۸۴ مشاهده) صورت گرفته است.

$$F_{it} = \alpha + \beta_1 P_{it} + \beta_2 D_{it} + \beta_3 B_{it}$$

که در آن:

F_{it} = تسهیلات اعطائی سرانه سیستم بانکی در استان t ام در زمان t

P_{it} = ضریب محرومیت استان t ام در زمان t

D_{it} = مانده سپرده‌های بانکی سرانه استان t ام در زمان t

B_{it} = بودجه مصوب استانی سرانه استان t ام در زمان t

اطلاعات بدست آمده از اولین رگرسیون انجام شده (که در آن ارقام مربوط به تسهیلات، سپرده‌ها و بودجه با قیمتهای ثابت (۱۱) محاسبه شده‌اند) بترتیب زیر می‌باشد:

$$F_{it} = ۸۳۹۳۸/۷۵ - ۸۶/۱۱ P_{it} + ۰/۲۹ D_{it} - ۰/۱۹ B_{it}$$

(۷/۲۵۴۷) (۵/۱۸۶۹) (-۱/۱۶۸۷) $R^2 = ۰/۵۹$

آزمون فرضیه‌های مربوط به صفر بودن ضرائب متغیرها به وسیله آمارهای t , f صورت گرفته و صفر نبودن ضرائب P_{it} و D_{it} با اطمینان ۹۹٪ مورد تأیید قرار گرفت (صفر نبودن ضریب B_{it} بر اساس آمار t با اطمینان ۷۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد). این کار یکبار دیگر و به طور مستقل با گرفتن لگاریتم از کلیه متغیرها به صورت زیر رگرسیون گردید که نتایج به دست آمده به قرار زیر است:

$$F_{it} = ۱۴/۳۷ - ۰/۸۷ P_{it} + ۰/۳۲ D_{it} - ۰/۱۷ B_{it}$$

(۸/۰۳۴۵) (۵/۱۴۳۴) (۳/۳۱۲۴) $R^2 = ۰/۶۲$

در این حالت بر اساس آمارهای t , F , صفر نبودن ضرائب هر سه متغیر مستقل با اطمینان ۹۹٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

لازم به اشاره است که به دلیل در دسترس بودن اطلاعات گسترده، شش رگرسیون دیگر (۲) رگرسیون نیمه لگاریتمی و ۴ رگرسیون بر اساس پارامترهای تشکیل دهنده ضرائب محرومیت) نیز انجام شده است که نتایج ذیلاً از نظر می‌گذرد.

الف - رگرسیونهای نیمه لگاریتمی: در اولین رگرسیون (۱) صرفاً از متغیر وابسته و در دومین رگرسیون (۲) از کلیه متغیرهای مستقل لگاریتم گرفته شده است.

$$F_{it} = ۱۱/۵۵ - ۰/۰۰۱۷ P_{it} + ۴/۵۸ \times ۱۰^{-۶} D_{it} - ۹/۸۲ \times ۱۰^{-۶} B_{it}$$

(۸/۰۶۸۸) (۴/۵۳۸۰) (۳/۲۸۳۵) $R^2 = ۰/۶۱$

$$F_{it} = ۳۰۴۳۶۶ - ۵۵۴۴۱ P_{it} + ۱۲۰۰۳ D_{it} - ۳۷۲۱ B_{it}$$

(۹/۳۷۱۱) (۳/۵۷۵۰) (۱/۳۲۴۰) $R^2 = ۰/۶۱$

ب - رگرسیونها بر اساس پارامترهای تشکیل دهنده ضرائب محرومیت: در این چهار رگرسیون از هر یک از پارامترهای "آموزش"، "بهداشت"، "مسکن و ساختمان" و "صنعت" بجای ضرائب محرومیت استفاده شده است. نتایج حاصله ذیلأ به ترتیب از نظر می گذرد:

۱ - پارامتر آموزش = ضریب محرومیت

$$F_R = 42623 - 58/89 P_{it} + 48/11 D_{it} - 0/39 B_{it}$$

$$(67/9249) \quad (11/8893) \quad (2/4586) \quad R^2 = 0/61$$

۲ - پارامتر بهداشت = ضریب محرومیت

$$F_R = 77189 - 81/23 P_{it} + 0/29 D_{it} - 0/10 B_{it}$$

$$(67/2276) \quad (5/2868) \quad (0/6001) \quad R^2 = 0/59$$

۳ - پارامتر مسکن و ساختمان = ضریب محرومیت

$$F_R = 28217 - 13/39 P_{it} + 0/51 D_{it} - 0/49 B_{it}$$

$$(2/7130) \quad (10/1953) \quad (2/5291) \quad R^2 = 0/49$$

۴ - پارامتر صنعت = ضریب محرومیت

$$F_R = 19853 - 5/29 P_{it} + 0/55 D_{it} - 0/26 B_{it}$$

$$(2/1206) \quad (12/1703) \quad (1/3999) \quad R^2 = 0/48$$

لازم به اشاره است که از این بررسی کمی درخواهیم یافت که:

۱ - تغییرات در ضریب محرومیت استانها تا چه حد متأثر از تغییرات تسهیلات اعطائی است و ارتباط آنها چگونه است.

۲ - رابطه بین سپرده‌ها و استانها با تسهیلات اعطائی بانکها به چه نحو است.

۳ - بودجه مصوب (جاری و عمرانی) در استانهای مختلف، همسوئی با تسهیلات اعطائی بانکها داشته و این همسوئی به چه میان بوده است. توضیح بیشتر آنکه روشن شود که آیا نحوه تخصیص بودجه توسط دولت (و بخصوص تخصیص بودجه بیشتر به استانهای محروم) باعث عدم ترغیب بانکها در اعطائی تسهیلات نشده و باصطلاح اثر پس رفت (دفع) بانکها (Crowding - out Effect) راه دنبال نداشته است؟

چنانچه اشاره گردید، اطلاعات بدست آمده از اولین رگرسیون به ترتیب زیر می باشد:

$$F_R = 83938/75 - 86/11 P_{it} + 0/29 D_{it} - 0/19 B_{it}$$

$$(67/2527) \quad (5/1869) \quad (1/1687) \quad R^2 = 0/59$$

بر اساس ضرائب متغیرها در رگرسیون خواهیم داشت.

$$\frac{F_{it}}{P_{it}} = - ۰.۸۶/۱۱ \quad (۱)$$

$$\frac{F_{it}}{P_{it}} = - ۰.۰/۲۹ \quad (۲)$$

$$- \frac{F_{it}}{P_{it}} = - - ۰.۰/۱۹ \quad (۳)$$

رابطه (۱) وجود یک رابطه منفی بین ضریب محرومیت و تسهیلات اعطائی بانکها را نشان می‌دهد. بدین ترتیب که با بالا رفتن ضریب محرومیت، تسهیلات اعطائی بانکی کاهش یافته است و بالعکس. بر اساس ضریب برآورد شده در رگرسیون می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که به ازای یک واحد کاهش در ضریب محرومیت، تسهیلات اعطائی بانکی باید معادل ۸۶/۱۱ ریال (سرانه) افزایش یابد (با فرض ثابت بودن سایر متغیرها).

رابطه (۲) وجود یک رابطه مثبت بین مانده سپرده‌ها و تسهیلات اعطائی بانکها را نمایان می‌سازد، یعنی با افزایش (کاهش) سپرده‌ها، تسهیلات اعطائی نیز افزایش (کاهش) سپرده‌ها، تسهیلات اعطائی نیز افزایش (کاهش) می‌یابد. بر اساس ضریب برآورد شده (۰/۲۹) می‌توان گفت در ازای ۱۰۰ ریال افزایش در سرانه مانده سپرده، تسهیلات اعطائی سرانه برابر ۲۹۰ ریال افزایش پیدا خواهد نمود (با فرض ثابت بودن سایر متغیرها).

رابطه (۳) نیز وجود رابطه‌ای منفی بین بودجه مصوب (جاری و عمرانی) با تسهیلات اعطائی بانکی را نشان می‌دهد، بدین صورت که بعنوان مثال با افزایش بودجه سرانه، تسهیلات اعطائی سرانه کاهش پیدا خواهد نمود. با توجه به ضریب منفی به دست آمده در این رگرسیون (و همچنین سایر رگرسیونهای انجام شده) ملاحظه می‌شود که علیرغم اینکه بر اساس تئوری بانکداری اسلامی و عدم وجود نرخ بهره و بازار پولی، می‌بایستی رابطه بین بودجه مصوب دولتی و تسهیلاتی اعطائی رابطه مثبتی را نشان دهد که این مسئله به مفهوم عدم وجود Crowding - out Effect می‌باشد زیرا همانطور که می‌دانیم این پدیده مربوط به جوامع سرمایه‌داری است و علت آن وجود بهره و بازار پولی است ولی علامت منفی موجود بین این دو باین طریق قابل توجیه است که به دلیل وجود محرومیت برخی از استانهای کشور و نازل بودن امکانات، تقاضا برای استفاده از تسهیلات اعطائی بانکی کاهش یافته در حالی که قوه مقننه و مجریه با آگاهی از این مسئله و به منظور کاهش درجه محرومیت در تنظیم بودجه سعی نموده‌اند حجم بودجه را افزایش دهند. بنابراین ضرورت دارد که بانکهای کشورمان به عنوان یکی از موسسات دولتی و در جهت کاهش نابرابریهای استانهای کشور با سایر سازمانهای دولتی هماهنگی بیشتری داشته باشند. همچنین لازم به اشاره است که در کلیه رگرسیونها

رابطه منفی بین محرومیت و سپرده‌ها مورد تأیید قرار گرفته است و این مفهوم مستفاد می‌گردد که با بالا رفتن محرومیت (ضمن کاهش تسهیلات اعطائی) سپرده‌ها نیز کاهش یافته‌اند. شایان ذکر است که از نتایج حاصل از چهار رگرسیون مربوط به پارامترهای مورد استفاده در محاسبه ضرائب محرومیت، چنین استنباط می‌گردد که ضرائب محرومیت استانهای کشور بیش از همه به پارامترهای آموزش ($R^2 = 0/61$) و بهداشت ($R^2 = 0/59$) و سپس به پارامترهای مسکن و ساختمان ($R^2 = 0/49$) و صنعت ($R^2 = 0/48$) ارتباط دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر اساس بررسی‌های انجام شده، نتیجه‌گیریها و پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱- کاهش عدم تعادل‌های موجود و رشد و توسعه هماهنگ استانها، مستلزم آن است که با شناختی کامل از امکانات بالقوه اقتصادی، استعدادها و مزیت‌های نسبی در هر استان (مثلاً کشاورزی، صنعت، توریسم و یا تلفیقی از آنها)، برنامه‌های جامع عمران و زیربنایی لازم در چهارچوب برنامه کلان اقتصادی کل کشور تنظیم و نقش و وظایف نظام بانکی بعنوان یکی از اجزاء لاینفک سیستم اقتصاد اسلامی کاملاً مشخص و معین گردد.

۲- با امعان نظر به مفاهیم پول (سرمایه بالقوه) و سرمایه در نظام بانکداری اسلام، ضروری است اولاً تمهیدات لازم در جهت اجرای هرچه دقیقتر عملیات بانکی منطبق با روح قانون، بعمل آمده و ثانیاً با بهبود روشهای مدیریت، ضمن رعایت عدالت در اعطای تسهیلات بانکی توجه کافی به عدم خروج سرمایه‌ها از استانهای محروم و کارائی آن مبذول گردد.

۳- در استانهای محرومی که به ظاهر قابلیت جذب تسهیلات اعطائی بانک را ندارند، اقدامات لازم از طریق بودجه مصوب برای سرمایه‌گذارهای زیربنائی (نظیر توسعه دانشگاهها، سدسازی، توسعه شبکه برق و راهسازی) به عمل آید تا بر اساس بازده صعودی به مقیاس تولید (Increasing Returns to Scale) که یقیناً در برخی از بخشهای اقتصادی آنها وجود دارد، زمینه جذب تسهیلات فراهم گردد.

نباید از نظر دور داشت که بانکها به عنوان وکیل سپرده‌گذاران لزوماً پروژه‌هایی را تامین مالی (Finance) می‌نمایند که توجیه اقتصادی، مالی و فنی داشته باشند. سرمایه‌گذارهای زیربنایی به نحوی چشمگیر خواهند توانست طرحهای سرمایه‌گذاری را مقبولیت بخشیده و نتیجتاً بانکها را در تامین سرمایه لازم ترغیب نمایند. دولت از طریق پرداخت سوبسید به بانکها نیز قادر خواهد بود آنها را تشویق به سرمایه‌گذاری در طرحهای مشخص و معین بنماید.

۴- تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران خصوصی در استانها محروم از طریق کاهش حداقل سود

مورد انتظار و سهم سود بانکها،^۱ تخفیفهای مالیاتی و تعدیل نرخ استهلاک نیز از جمله مسائلی است که در تنظیم و تصویب برنامه‌های توسعه باید مطرح نظر قرار گیرد. قابل ذکر است که اهرم تخفیف مالیاتی را می‌توان جهت تشویق کلیه سرمایه‌گذاران خصوصی در تمام مناطق و استانهای کشور برای استفاده از تسهیلات سیستم بانکی بکار برد.

بدیهی است تشویق و حمایت‌های مالی دولت در هر شکل نمی‌تواند (و نباید) لایتغیر و دائمی باشد، بنابراین ضروری است همگام با کاهش عدم تعادلها و ضرائب محرومیت در استانهای محروم تعدیل گردند.

۵ - عملکرد مطلوب بانکها طبعاً جلب اعتماد عمومی را به نظام بانکی به دنبال خواهد داشت. همچنین آموزش جامعه از طریق وسائل ارتباط جمعی و تبلیغات صحیح برای سوق دادن منابع پولی به بانکها و استفاده هرچه وسیعتر مردم از شبکه بانکی، بانکها را قادر به ارائه تسهیلات بیشتر نموده و برنامه‌های رشد و توسعه را سرعت می‌بخشد.

باید در نظر داشت که با کاهش عدم تعادلها و محرومیت‌ها، درآمدها و به طبع آن میل به پس‌انداز افزایش خواهد یافت. گسترش شبکه بانکی در این مرحله نقش بسیار عمده‌ای در جلب پس‌اندازها و سرمایه‌های سرگردان خواهد داشت.

۶ - در ارتباط با حمایت هرچه بیشتر دولت از استانهای محروم ضروری است پرداخت سوبسیدها و کمکهای نقدی و غیرنقدی دولت نیز متناسب با ضریب محرومیت استانها باشد. اتخاذ سیاست یکسان در این موارد منطقی به نظر نمی‌رسد.

تخفیف نابرابریهای موجود بین استانها و کاهش ضرائب محرومیت، ضمن آنکه درآمد و سطح رفاه عمومی مردم آن استانها را بالا می‌برد، دلبستگی و تعلق خاطر هرچه بیشتر آنان به زادگاه و محل زندگی آباء و اجدادیشان را نیز تحکیم بخشده و نتیجتاً از مهاجرت‌های بی‌رویه و خالی از سکنه شدن برخی از مناطق جلوگیری و از پیامدهای ناگوار آن کاسته خواهد شد.

۷ - ضروری است از طریق سازمانهای ذیربط گامهای موثرتری در جهت تهیه آمارهای استان برداشته شود. وجود شاخصهای و نماگرهای متنوع و موثق استان اولاً زمینه را جهت محاسبه ضرائب محرومیت دقیق‌تر و جامع‌الاطراف‌تر هموار نموده و ثانیاً برنامه‌ریزیهای توسعه استانهای مختلف کشور را تسهیل می‌نماید.

۱ - دولت می‌تواند به منظور جبران کاهش سهم سود بانکها (و در نهایت سهم سود سپرده‌گذاران) این مبالغ را (همانگونه که در تبصره‌های ۳، ۵۱ و ۵۲ قانون بودجه سالهای اخیر کل کشور تا حدودی مرئی شده است) در بودجه سال بعد منظور نماید.

- ۸ - تاسیس واحدهای تحقیقاتی متناسب با استعدادها و منابع موجود در استانهای محروم نیز از مقوله‌هایی است که شناخت هرچه بهتر پتانسیل‌های موجود در استانها را امکان‌پذیر می‌سازد.
- ۹ - تامین نیروی انسان متخصص مورد نیاز استانهای محروم نیز از جمله مسائلی است که در برنامه‌های توسعه باید جای ویژه‌ای داشته باشد. با توجه به این که این نیروها ضرورتاً باید در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تربیت شوند، تاسیس و توسعه اینگونه موسسات (با در نظر گرفتن استعداد و ویژگیهای هر استان) امری بسیار ضروری است. افزایش نرخ دستمزدها در استانهای محروم و همچنین ایجاد امکانات رفاهی نیز می‌تواند در جلب و جذب و نگهداری نیروهای متخصص تاثیر بسزائی داشته باشد.

«والسلام»

پی‌نوشت‌ها

- ۱ - برای توضیحات بیشتر مراجعه شود به: دکتر ایرج توتونچیان (اسفندماه ۱۳۶۹)، صفحه ۴
- ۲ - رجوع شود به: محمدحسن مشرف جوادی (۱۳۶۹)، صفحات ۳۰۵ - ۳۰۳
- ۳ - مؤسسه انجام چاپ (۱۳۵۹)، صفحه ۱۱
- ۴ - همان مأخذ، صفحه ۱۹
- ۵ - همان مأخذ، صفحه ۲۱
- ۶ - بانک صادرات، اداره تشکیلات و روشها (تیرماه ۱۳۶۵)، صفحه ۹
- ۷ - این بررسی الهام گرفته از مقاله‌ای تحت عنوان:

Neu Quantitative Measures for Evaluating Banking System

می‌باشد که بر مبنای نشریه‌ایی از بانک مرکزی هندوستان به نام:

Programme on Economic/ Statistical Analysis and Computer Applications

تهیه شده بود.

- ۸ - اساس محاسبه نسبت‌ها در جدول مزبور و جدول شماره ۲، «تسهیلات اعطائی» و «مانده سپرده‌های سیستم بانکی در استانها مختلف می‌باشد که از گزارشات متعدد و اوضاع اقتصادی و اجتماعی استانهای کشور طی سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ تهیه شده توسط مدیریت امور آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلام ایران استخراج شده است.
 - ۹ - سازمان برنامه و بودجه، قوانین بودجه سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳
- لازم به اشاره است که ارقام بودجه استان مصوب که در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، حاصل جمع به جاری و بودجه عمرانی مصوب برای هر استان در سالهای مورد بررسی می‌باشد.

۱۰ - در ارتباط با پارامترهای مورد استفاده در محاسبات ضرائب محرومیت استانها در سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ توضیحات زیر ضروری است.

الف - پارامتر «آموزش» عبارت است از تعداد کل دانش آموزان شاغل به تحصیل در کلیه دوره‌های چهار ساله منتج به اخذ گواهینامه دیپلم. باین ترتیب رقم «آموزش» شامل دانش آموزان دوره‌های متوسط عمومی، آموزش فنی، آموزش حرفه‌ای، آموزش کشاورزی و تربیت معلم روستایی می‌باشد که از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران در سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ استخراج شده است.

ب - پارامتر «بهداشت» شامل تعداد تخت‌های موجود در مؤسسات درمانی است که این ارقام نیز از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران استخراج گردیده است.

ج - پارامتر «مسکن و ساختمان» عبارت است از کل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش ساختمان (اعم از مسکون و غیرمسکون). این ارقام از گزارشات و بررسی آماری فعالیت‌های ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری استانهای کشور، در سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ که در مدیریت امور آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌گردد، استخراج گردیده است.

د - پارامتر «سپرده‌های بانکی» به مفهوم مانده سپرده‌ها در هر استان طی سالهای مورد بررسی است که آمار و ارقام آن از گزارشهای و اوضاع اقتصادی و اجتماعی استانهای کشور تهیه شده در مدیریت امور آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است.

ه - و بالاخره پارامتر «صنعت» عبارت از «مزد و حقوق پرداختی به کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی کشور» در استانهای مختلف می‌باشد که این آمار و ارقام نیز از گزارشات و بررسی آمار فعالیت‌های ساختمانی بخش خصوصی در مناطق آماری استانهای کشور، در سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ که در مدیریت امور آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌گردد، استخراج شده است.

با توجه به این که پارامترهای فوق‌الذکر می‌بایست به صورت سرانه در محاسبات مورد استفاده قرار گیرند، ابتدا بر اساس سرشماری جمعیت استانهای کشور در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و همچنین سرشماری سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰، دو نرخ رشد جمعیت برای کلیه استانهای کشور محاسبه و سپس جمعیت استانها در سالهای ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ برآورد گردید. به این ترتیب پارامترهای مزبور (و همچنین ارقام تسهیلات و بودجه) در سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ به سرانه تبدیل شدند.

لازم به ذکر است که اهمیت نسبی پارامترهایی مزبور در محاسبات مربوط به ضرائب محرومیت به ترتیب زیر بوده است: آموزش و بهداشت هر یک ۲۵ درصد، مسکن و ساختمان ۲۰ درصد، سپرده‌های بانکی و صنعت هر کدام ۱۵ درصد.

۱۱ - اشاره می‌گردد در کلیه رگرسیونهای انجام شده، آمار و ارقام تسهیلات، سپرده‌ها و بودجه که به صورت جاری (اسم) بوده‌اند بر اساس شاخص قیمتها (یعنی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور) در هر یک از استانها و طی سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳ به قیمت‌های واقعی (ثابت) تبدیل شده‌اند.

۱۲ - واژه **Crowding - out Effect** بدین مفهوم است که (استقراض بسیار زیاد دولت (از نظام بانکی)، وجوه قابل دسترس وام‌گیرندگان خصوصی را کاهش می‌دهد، نرخ بهره را بالا می‌برد و سبب کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد می‌شود. روشن است که واژه فوق در اقتصاد سرمایه‌داری و نظام بانکداری ربوی آن مصداق پیدا می‌کند که دولت در شرایط کسری بودجه جهت تامین آن به استقراض دست می‌زند و بنابراین با کاهش وجوه قابل استقراض در بازار پولی (که در نظام بانکداری اسلامی وجود ندارد)، نرخ بهره (و به عبارتی قیمت یا هزینه فرصت پول) افزایش پیدا کرده و نتیجتاً سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش می‌یابد. می‌توان گفت پیدایش چنین وضعیتی در بانکداری ربوی، نتیجه رقابت دولت (در جذب منابع برای تامین مالی کسری بودجه) با سرمایه‌گذاران خصوصی (در تلاش برای اخذ وام) می‌باشد. در بانکداری اسلامی به دلیل عدم وجود بهره و همچنین عدم تضاد و تعارض بین نظام بانکی با فعالیت‌های مالی دولت از طریق بودجه، واژه فوق واقعیت پیدا نمی‌نماید. می‌توان این چنین گفت که در اقتصاد اسلامی فعالیت‌های مالی دولت از طریق بودجه با کمک امکانات مالی و سرمایه‌ای بانکها می‌توانند در زدودن فقر و کاهش محرومیت نقش داشته باشند، بدین صورت که بودجه دولت زمینه جذب تسهیلات اعطائی بانکها را در استانهای محروم فراهم آورد. واژه انگلیسی **Crowding - out Effect** در فارسی تحت عناوین «اثر جبری»، «اثر دفع»، «اثر جانشینی جبری»، «اثر پس رفت» و بالاخره «خروج در اثر ازدحام» ترجمه شده است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

- (۱) رودیگر دورنبوش و استانلی فیشر (۱۳۷۱)، صفحات ۲۲۱ - ۲۱۲
- (۲) دکتر فیروزه خلعت‌بری (مردادماه ۱۳۷۱)، صفحه ۳۳۰
- (۳) دکتر احمد جعفری صمیمی و دکتر غلامعلی فرجادی (تابستان ۱۳۶۷) صفحه ۳۹
- (۴) دکتر منوچهر فرهنگ (۱۳۷۱)، صفحه ۴۶۱

منابع و مأخذ:

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت امور آمارهای اقتصادی، گزارشات سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳، بررسی آماری فعالیتهای ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری استانهای مختلف کشور.
- _____، گزارشات سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳، اوضاع اقتصادی و اجتماعی استانهای مختلف کشور.
- _____، گزارشات سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳، نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور.
- _____، شاخصهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور (استان)، سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳.
- بانک صادرات ایران، اداره تشکیلات و روشها، قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانضمام آئیننامه اجرائی مصوب هیئت وزیران و دستورالعملهای اجرائی مصوب شورای پول و اعتبار همراه، با دستورالعملهای حسابداری عقود، تیرماه ۱۳۶۵.
- توتونچیان، ایرج، تحلیل مکانیسم سهم سود در بانکداری اسلامی، مقاله ارائه شده در اولین سمینار سیاستهای پولی و ارزی مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، اسفندماه ۱۳۶۹.
- جعفری صمیم، احمد فرجادی، غلامعلی، واژهنامه‌ای اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه مازندران، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۷.
- خلعت‌بری، فیروزه، مجموعه مفاهیم پولی، بانکی و بین‌المللی، انتشارات شباویز، چاپ اول، مردادماه ۱۳۷۱.
- دورنورش، رودیگر و فیشر، استانبلی، اقتصاد کلان، ترجمه دکتر محمدحسین تیزهوش تابان، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش)، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- سازمان برنامه و بودجه، قانون بودجه کل کشور مصوب مجلس شورای اسلامی، سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳.
- سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، مجموعه اطلاعاتی (قوانین و آمار) چاپ اول، سال ۱۳۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه، دفتر هماهنگی امور مناطق، گزارشهای مختلف در مورد شناسایی مناطق محروم.
- فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، انگلیسی - فارسی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۱.
- مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری و آمارنامه‌های سالهای ۷۰ - ۱۳۶۳.
- مؤسسه انجام چاپ، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹.
- مشرف جوادی، محمدحسن، عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام و راههای تأمین آن، مقاله ارائه شده در اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۹.

Reserve Bank of India, Programme on Economic/ Statistical Analysis and Computer Applications, Bombay, 1991.

Sepehri, Kamran; New Quantitative Measures for Evaluating banking System, Presented at the Third Islamic Conference on Statistical Sciences, Rabat, Morocco, August 1992.

The Macmillan Press Limited; The Nes PALGRAVE: A Dictionary of Economics, 1987.